



۲۴ اکتوبر ۲۰۱۳



حمیدانوری

"چه دلاور است دزدی که به کف چراغ دارد!"

{ شبرغان (پژواک، ۱۸ میزان ۹۲): جنرال دوستم رهبر جنبش ملی، پنجاه صندوق مواد منفجره را که از ریاست تفحصات نفت و گاز ولایت جوزجان گرفته بود، دوباره به این ریاست سپرد.

این صندوق ها حاوی مواد تروئیل بود که در ریاست تفحصات بخاطر حفر چاه های نفت و گاز نگهداری می شد.

گزارشگر پژواک بهتر بود بجای استفاده از اصطلاح "گرفته بود"، صادقانه از اصطلاح "دزیده بود"، استفاده میکرد، اما چه می شود کرد، جان شیرین است.

استفاده از اصطلاح "گرفته بود"، بدان معنی تواند بود که پنجاه صندوق مواد منفجره در سر راه گذاشته شده بود و دوستم پهلوان آن صندوق ها را از سر راه گرفته بود و به قصر خود انتقال داده بود.

اما قرار همین گزارش، دوستم توسط جنرال ستار قوماندان گارد امنیتی خود و به زور سلاح و افراد مسلح تحت فرمانش، آن پنجاه صندوق را از ریاست نفت و گاز ولایت جوزجان، دزیده و به قصر خود انتقال داده است، تا اگر اوضاع بر وفق و مرادش نچرخد، آن پنجاه صندوق مواد منفجره را مورد استفاده قرار داده و شهری را با خاک یکسان کند و یا لاقل آن پنجاه صندوق مواد منفجره را وسیله قرار داده و خواسته های نامشروع و زورگویانه خویش را بالای مقامات مسؤل و رئیس جمهور کشور بقبولاند.

{ لوی څارنوالی، انجنیر قطب الدین قایم رئیس تفحصات نفت و گاز جوزجان را سه ماه قبل به ظن و آگذاری صندوق های مواد منفجره به یکی از افراد نظامی، بازداشت نموده بود.

در آن وقت از فرد نظامی نام برده نشده، اما حالا مشخص شده که این مواد به هدایت جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی و معاون اول اشرف غنی احمدزی نامزد ریاست جمهوری آینده از ریاست تفحصات گرفته شده بود.

در آن زمان که دوستم به این کار غیر قانونی اقدام ورزیده و پنجاه صندوق مواد منفجره با قدرت تخریب خیلی ها قوی را از ریاست نفت و گاز ولایت جوزجان به زور سلاح دزیده بود، بصورت رسمی (درستیزوال سرقوماندانی اعلاى قوای مسلح) نبود. او زمانیکه به ترکیه مهاجر شد، قانوناً از وظیفه سبکدوش گردیده بود.

جالب اینجاست که در زمان دزدیدن آن پنجاه صندوق مواد منفجره، حتی مقامات مسؤل لوی څارنوالی افغانستان جرأت و شهامت افشای نام رشید دوستم را نداشتند و بجای دزد، صاحب خانه را زندانی ساختند. چرا دولت از مسؤلین اعزامی لوی څارنوالی بازخواست نکرد و چرا در مورد سکوت مرگ آور پیشه کرد؟!

رشید دوستم که اکنون معاون اول اشرف غنی احمدزی در انتخابات ریاست جمهوری معرفی گردیده، صندوق های مواد منفجره را تحویل میدهد، اما زبانه لال اگر بخت ملت غیور افغان سستی کند و اشرف غنی رئیس جمهور شود، حدس بزنید که معاون اول او دست به چه کارروائی های خانه براندازی خواهد زد و دو معاون حزبی اشرف غنی، رئیس جمهور غیر حزبی را در چه تنگناهای خطیر و بربادکن ای قرار داده و عاقبت این ملت و این مملکت بکجاها خواهد کشید.

پنجاه صندوق مواد منفجره با قدرت تخریبی مهیب و خانه برانداز، از ریاست تفحصات گرفته نشده بود، بلکه به زور افراد مسلح دزیده شده بود!!!

{کینچه کارگر، مسؤل شورای ولایتی جنبش ملی در جوزجان میگوید که این مواد به هدایت جنرال دوستم درستیزوال سرقوماندانی اعلاى قوای مسلح به وسیله جنرال ستار قوماندان گارد امنیتی وی بخاطر نجات مردم از گزند مخالفان حکومت گرفته شده بود.}

کینچه کارگر، که حیف نام کارگر، از چوکره های دوستم، با عبا و قبا و کفش و کلاه به چشم مردم می درآید و ادعا میکند که پنجاه صندوق مواد منفجره " بخاطر نجات مردم از گزند مخالفان حکومت گرفته شده بود. "، گرفته؟؟!! شده بود، یا دزیده شده بود؟

اما او واضح نمی سازد که کدام مخالفان حکومت، چون در زمان دزدیدن آن پنجاه صندوق مواد منفجره از ریاست تفحصات نفت و گاز جوزجان، در آن منطقه نه طالبان فعال بودند و نه هم کدام مخالف مسلح دیگر. از جانب دیگر در صورت وجود همچو خطری، جهت انتقال صندوق های مواد منفجره به یک جای امن، قانوناً باید قوماندان اعلی کُل قوا، یعنی رئیس جمهور فرمان صادر میکرد و دستور تخلیه پنجاه صندوق مواد منفجره به یک محل امن را می داد.

این پخپل سری و زور گوئی بدان معنی تواند بود که در رگ و خون و استخوان دوستم پهلوان بی قانونی و زورگوئی عمیقاً ریشه دوانیده و زیر کنترل آوردن او کار حضرت فیل است. افسوس به حال " نایبغه" ما با انتخاب نایبغه مانند اش.

{ وی به آژانس خبری پژواک گفت: ((در آن زمان برای استعمال این مواد ضرورت محسوس بود و از اینکه جنگ تحمیلی زندگی مردم را تهدید میکرد این اقدام عملی شد ولی از اینکه اکنون این مشکل حل شده این مواد دوباره در حضور هیئت موظف، به ریاست تفحصات تسلیم داده شده است.)) }

خوب دقت کنید هموطنان عزیز!

چوکره دوستم میگوید: "در آن زمان برای استعمال این مواد ضرورت محسوس بود..." ، او خود اقرار میکند که آن پنجاه صندوق مواد منفجره را "بخاطر نجات مردم از گزند مخالفان حکومت" نذر دیده بودند، بلکه در آن زمان برای استعمال (استفاده) این مواد ضرورت محسوس بود، یعنی اینکه دوستم بای در آن زمان بگونه قدرت خویش در جوزجان را به خطر مواجه دیده بود و لذا جهت مقابله با آن خطر، پنجاه صندوق مواد منفجره نهایت مخرب را از ریاست تفحصات نفت و گاز دزدیدند تا مورد استفاده قرار دهند. دروغگو حافظه ندارد. پس دیده می شود که نجات مردم از گزند مخالفان یک دروغ شاخدار بوده است.

اگر جنگ تحمیلی زندگی مردم منطقه را تهدید میکرد، استفاده از آن پنجاه صندوق مواد منفجره مهیب به وسیله دوستم و ملیشه هایش، جوزجان را می توانست با خاک یکسان کند.

{ سه ماه قبل اختلافات بین جنرال دوستم و محمد عالم ساعی والی جوزجان اوج گرفت و ساعی بعد از تظاهرات پیهم طرفداران دوستم به کابل آمد و سپس حکومت بجای وی بای مراد قوینلی را به حیث والی تعیین نمود. }

در کشمکش ها و اختلافات بین رشید دوستم و یکی از یاران دیرین اش، یعنی محمدعالم ساعی والی جوزجان، همه شاهد بودند و گزارشات آنرا بصورت زنده تماشا کردند که عالم ساعی درحالیکه والی برحال حکومت جمهوری اسلامی افغانستان بود، در حالیکه تفنگ به دست داشته و لباس ضد مرمی زرهی به تن داشت با افراد خود از منزلش دفاع میکرد.

حکومت مرکزی هیچگونه همکاری با والی برحال خود نکرد و هیچ نیروی کمکی نظامی هم جهت حفاظت از والی ولایت، گسیل نداشت. این دوستم بود که فرمان عزل و نصب والی را در منطقه صادر میکرد و رئیس جمهور با همه لا و لشکراش، درمانده بود و تری تری تماشا میکرد.

بعداً به والی دستور دادند تا به کابل برود و چند روز بعد از ورود والی به کابل، دوستم به رئیس جمهور دستور داد که مراد قوینلی، یکی دیگر از افراد او را بجای عالم ساعی، والی جوزجان مقرر کند که همانطور هم شد و آب از آب تکان نخورد، صرف حامد خان کرزی بود که با چشم و سر مشاهده میکرد که چگونه دست و پایش را بسته اند و حتی قادر به حفظ یک والی و عزل یک والی مادام العمر دیگر هم نیست که نیست. پهلوان زنده خوش است.

{ کینجه کارگر ابراز امیدواری کرد که با واگذاری این ۵۰ صندوق مواد انفجاریه، به این قضیه خاتمه داده شود. }

یعنی او غیر مستقیم به رئیس جمهور تفهیم میکند که با واگذاری این پنجاه صندوق مواد منفجره، قضیه را خاتمه یافته تلقی کند و صدای خود را نکشد. همانطور هم شد و تمام سرو صدا ها خاموش شد و حتی مقامی هم در حکومت مرکزی حاضر نشد که از انجنیر قطب الدین قایم، رییس تفحصات نفت و گاز جوزجان یک معذرت خشک و خالی بخواهد. به این میگویند شهر خربوزه.

{ اما رییس تفحصات نفت و گاز جوزجان میگوید که در پیوند به این مواد انفجاریه، حدود یکماه به شکل غیرقانونی محبوس شده، حیثیتش پامال گردیده و وظیفه اش نیز به تعلیق درآمده است .

وی به پژواک گفت : ((من خواهان اعاده حیثیت از دست رفته ام هستم.)) }

بیچاره رئیس تفحصات که واسطه و وسیله نداشت است و پنجاه صندوق مواد منفجره به زور سلاح از وی دزدیده شده، درحالیکه قضیه را با تمام کیف و کان آن به مقامات مسؤل راپور داده است و نام دزد را هم افشأ نموده است، نه تنها از کار برکنار، بلکه برای یک ماه زندانی هم میشود. به این میگویند دموکراسی وارداتی. او حق دارد از حیثیت پامال گردیده خود دفاع کند و خواهان اعاده حیثیت گردد، اما کجاست گوش شنوا!!! و کجاست قانون و کجاست عدالت!!!

{ قایم گفت که در آن زمان جزئیات تسلیمدهی این مواد را به هیئت اعزامی لوی څارنوالی تشریح کرده و گفته بود که این مواد را کی و چگونه از اداره تفحصات تسلیم گرفته، آنها بدون آنکه از طرف مقابل تحقیق کنند وی و همکارانش را توقیف نمودند و خود به طرف کابل رفتند. }

آب زور سربالا میروند. اگر در کشور به اندازه سر سوزن هم عدالت وجود میداشت، زمانیکه رئیس تفحصات و همکارانش را توقیف کردند، باید به سراغ پهلوان دوستم هم میرفتند و او و افرادش را به محکمه می کشاندند. آخر در کجای دنیا چنین قانونی وجود دارد که بجای دزد، صاحب خانه را زندانی کنند.

اگر از قانون در آن مأوا خیری می بود، امروز باید دوستم صرف با همین کارروائی اش بجای اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری کشور، به محکمه سوق داده می شد و مقامات لوی څارنوالی که مامور تعقیب قضیه بودند هم باید به جزای عمل بزدلانه شان میرسیدند، که نرسیدند.

بدا به حال " نابغه" ما که با یک دزد، دهن جوال را گرفته و خواب ریاست جمهوری می بیند.

{ رییس تفحصات نفت و گاز جوزجان علاوه کرد، درحالیکه این موضوع را بطور شفاهی به معین وزارت معادن ضمن سفری که به شبرغان داشت نیز مطرح کرد، اما به آن توجه نشده بود. }

رئیس تفحصات از معین وزارت معدن در آن هنگام نام نبرده است، اما جناب معین، هرکسی که بوده است و یا هنوز هم معین است، هم در این قضیه مسؤل است و باید جوابگوی کم کاری و بی غوری خود باشد. گویا معین وزارت معدن هم شهادت تعقیب قضیه را نداشته است. پس وای بحال " اشرف غنی احمدزی" با چنین انتخاب!!

{ موصوف میگوید که این موضوع را یکی از کارمندان اداره تفحصات تنها به طور تحریف شده به مرکز انتقال داد که در نتیجه رییس تفتیش لوی څارنوالی به شبرغان آمده و ضمن یک تحقیق از وی و همکارانش امر توقیف وی را صادر و زندانی اش نموده بودند. }

از قرار معلوم رئیس تفتیش لوی څارنوالی، فقط و فقط به تحقیقات مختصر شفاهی از چند نفر در ریاست تفحصات بسنده کرده و به بسیار سادگی حکم توقیف رئیس تفحصات و همکارانش را صادر کرده و حتی بخود زحمت نداده که باری هم از دوستم بای و افرادش در زمینه تحقیق کند و هم محاسبه کند که ریاست تفحصات به چه تعداد محافظین مسلح در اختیار داشته و سلاح دست داشته شان کدام نوع بوده و چه مقدار مهمات در اختیار داشتند و تحت فرمان کدام شخص قرار داشته و صلاحیت های شان چه اندازه بوده است.

او همچنان وظیفه داشته است تا تعداد افراد دوستم پهلوان و سلاح و مهمات دست داشته شانرا در زمان دزدیدن پنجاه صندوق مواد منفجره از ریاست تفحصات، بصورت دقیق معلوم نموده و درج دوسیه نماید و بعداً دوسیه مربوطه را به محاکم مسؤل در کابل بسپارد تا بعد از غور و بررسی های لازم و با شهود و اسناد دست داشته، در زمینه حکم صادر گردد، اما واقعاً که آب زور سربالا میروند. وای به حال " نابغه" ما!!!

{ اما حفیظ الله حفیظ رییس تفتیش لوی څارنوالی میگوید که حیثیت رییس تفحصات پامال نشده و وی مواد را بدست افراد و اشخاص غیر مسؤل داده است. }

از جناب حفیظ الله حفیظ، رئیس تفتیش لوی څارنوالی باید پرسید در یک شهر خربوزه اگر پنجاه نفر دزد تا دندان مسلح وحشی و خونریز بالایت حمله کنند، آیا با پنج نفر محافظ که مهمات کافی هم در اختیار ندارند، مقاومت کرده و هم خود و هم پنج نفر محافظ را به کشتن می دهی، در صورتیکه میدانی آب زور سربالا میروند و به آذان ملای غریب کسی نماز هم نمی خواند؟

از طرف دیگر حالا که دوستم بای اعتراف کرده که آن پنجاه صندوق مواد منفجره مهیب را جهت اینکه " در آن زمان برای استعمال این مواد ضرورت محسوس بود..." برده اند، باید قبول نمائی که آن مواد به زور سلاح دزدیده شده اند و رئیس تفحصات مواد متذکره را به افراد غیر مسؤل نداده، بلکه افراد غیر مسؤل آن مواد را به زور سلاح دست داشته دزدیده اند. به این میگویند پامال شدن حیثیت رئیس تفحصات.

{ وی باذکر اینکه جنرال دوستم حاضر شده مواد را دوباره بسپارد، مربوط خودش است، اما گفت : ((تروئیلی که یک کلچه آن کفایت میکند شهری را خراب کند یک بلند منزل که بیست طبقه داشته باشد سرنگون سازد و اگذاری این مواد باعث سرنگونی مردم آن منطقه میگردد.))

اگر قبول کنیم که رئیس تفحصات جهت و اگذاری پنجاه صندوق مواد منفجره به افراد دوستم، مسؤل است، پس مسؤلیت داره دزدان و رهبر شان هم باید در نظر گرفته شود.

دوستم به خودش مربوط بود که آن پنجاه صندوق مواد منفجره را دزدید و به خودش مربوط است که آنرا دوباره مسترد کرد و...، واقعاً که شهر خربوزه است و هرکه زور داشت هرچه دلش خواست انجام میدهد و هرکه زور و زر نداشت محکوم است. عجب دور و زمانه ایست!!!

درست است که و اگذاری پنجاه صندوق مواد منفجره با قدرت تخریبی مدهشی که جناب شما لطف نموده و تشریح کرده اید، مسؤلیت بزرگی به شما میروند، اما دزدیدن آن مواد منفجره یا تروئیل ایکه یک کلچه آن شهری را خراب میکند، باید یک جنایت محاسبه گردد و یک خیانت ملی و عاملین آن باید در کنج زندان بیوسند، نه اینکه دعوای معاونیت ریاست جمهوری کنند.

{وی علاوه کرد که حفظ و نگهداشت این تروئیل و استفاده به جای آن وظیفه ریس تفحصات بود، اینکه او این مواد را بطور غیرقانونی و بدون طی مراحل اصول دقترداری بدست اشخاص غیرمسؤل داده بود، جرم است و درقبال آن باید محکمه حکم نماید.}

اگر حکومت مرکزی نیروی کافی نظامی در اختیار رئیس تفحصات میگذاشت و در حالیکه از اهمیت و خطر آن مواد منفجره آگاهی کامل هم داشته است، در حفظ و نگهداشت آن دقت کافی به خرج نداده و در زمان حمله افراد مسلح دوستم، هیچگونه نیروی کمکی هم به آنجا اعزام نداشته است و در فردای آن واقعه هم مقامات مسؤل جرأت و شهامت حتی افشاً نام عاملین آنرا هم نداشته اند و تا چند روز قبل هم قضیه را مسکوت گذاشته و از مردم پنهان کرده بودند، فقط یخن رئیس تفحصات را گرفتن عادلانه نخواهد بود.

در حالیکه افراد مسلح دوستم به زور سلاح مواد منفجره متذکره را از ریاست تفحصات می دزدند، چگونه انتظار دارید که طی مراحل می شد. اگر رئیس تفحصات مجرم است و در مورد او باید محکمه حکم کند، در مورد رشید دوستم کی باید حکم صادرکنند؟! اشرف غنی احمد زی یا سرور دانش؟! از رئیس جمهور چنین توقعی نهایت طفلانه خواهد بود.

{از سوی دیگر، بای مراد قوینلی والی جدید جوزجان میگوید که دوماه از وظیفه وی میگذرد و اینکه این مواد را قبلاً جنرال دوستم توسط قوماندان ستار گرفته بود و از آن سوء استفاده نشده است، خوش است.}

به عبارت دیگر (بای مراد قوینلی) والی جدید جوزجان که از افراد دوستم است، میخواهد بگوید که " بلا ده پس ایکه دوستم توسط قوماندان ستار پنجاه صندوق مواد منفجره را دزدیده، شکر که دوستم از ای مواد منفجره مهیب استفاده نکرده، آگه نی، نه مه بودم و نه دوستم و نه اشرف غنی!!!"

به دعا دست برآرید که برگردد چرخ
شاید آن روی فلک، بهتر از این رو باشد

تشکر از سایت محترم استقلال